گفت‌وگوی «وطن امروز» با محمدرضا امامقلی و سیدیزدان حبیبی، سازندگان مستند «آقای نخست‌وزیر»

دعوای مصدق-کاشانی راه می‌اندازند تا «تحریم آمریکا» فراموش شود

میکائیل دیانی: همه‌ساله در آستانه مردادماه بحث کودتای ۲۸ مرداد و اختلاف بین جریان محمد مصدق و آیت‌الله کاشانی در برخی رسانه‌ها مطرح می‌شود. امسال اما آمریکایی‌ها هم با انتشار کتاب اسناد مکاتبات دوران دولت دکتر مصدق این موضوع را در رسانه‌ها مطرح کردند و بعضی مدعی شدند آیت‌الله کاشانی نیز با کودتاچیان همراه بوده است. به جهت بررسی تاریخی این مساله سراغ «محمدرضا امامقلی» کارگردان و «سیدیزدان حبیبی» پژوهشگر مستند «آقای نخست‌وزیر» رفتیم تا نگاهی نزدیک‌تر به واقعیت داشته باشیم.

***

■ «آقای نخست‌وزیر» به لحاظ تاریخی مهم‌ترین مستندی است که از جنبه پژوهشی دارای محتویات قوی و مباحث تاریخی بسیار عمیقی درباره دوران نخست‌وزیری آقای مصدق است که نمایانگر دقت و زحمت شماست. موضوعی که می‌خواهم مطرح کنم این است که هرازگاهی بویژه در ایام تابستان و ایام منتهی به کودتای ۲۸ مرداد یکسری حواشی و مسائل درباره کودتای ۲۸ مرداد به‌وجود می‌آید که به آقای مصدق ارتباط پیدا می‌کند و امسال این حواشی بسیار پررنگ شده است. آمریکا اسنادی را درباره کودتای ۲۸ مرداد منتشر کرده و برخی می‌گویند در آن مطالبی از همراهی آیت‌الله کاشانی با کودتا بوده و حتی تصاویری در این‌باره منتشر شده که نشان‌دهنده ارتباط آیت‌الله کاشانی با افرادی همچون «شعبان بی‌مخ» یا افرادی که در بطن کودتا مشارکت داشته‌اند، است. حضرتعالی به عنوان کسی که در ارتباط با این موضوع اطلاعات تاریخی دارید نظرتان را درباره صحت این قضایا بفرمایید.

سیدیزدان حبیبی: فیلمی که بتازگی انتشار یافته مربوط به امسال نیست و از مرداد ۱۳۹۵ این فیلم بارها بازنشر شد و با کپشن‌های مختلفی مدام در حال انتشار است که انتشاردهندگان مدعی‌اند مربوط به حضور آیت‌الله کاشانی و عوامل کودتای ۲۸ مرداد در خانه غارت شده دکتر مصدق است. کاملا مشخص است این فیلم تدوین شده است و در تصاویری خانه تخریب‌شده دکتر مصدق در آن به نمایش درآمده و مکان‌های حضور آیت‌الله کاشانی و مظفر بقایی در آن بسیار سالم و بدون تخریب است؛ حال این سوال پیش می‌آید که اگر آنها وارد خانه‌ای غارت‌زده شده‌اند چرا این خانه در فیلم سالم است؟! و پس از تطبیق با تصاویر مجلس شورای ملی و در ورودی آن متوجه می‌شوید این محل نه خانه مصدق بلکه در ورودی و حیاط مجلس شورای ملی است. این فیلم یک گزارش خبری انگلیسی است که در همان زمان تهیه شده است. «نریشن» در این فیلم گزارش منزل مصدق در زمان کودتا را اعلام می‌کند و در آن گزارش که دارد اساسا به زمانه می‌پردازد نامی هم از آیت‌الله کاشانی و افراد دیگر برده می‌شود که قصد استفاده از تصاویر معادلی دارد و شما بیش از این فیلم‌ها از آیت‌الله کاشانی فیلم دیگری نمی‌یابید و این ویدئو در اصل یک گزارش خبری است که حالا صدای نریشن را از روی آن برداشته‌اند. سال گذشته نیز استاد عبدالله شهبازی در این‌باره یادداشتی را منتشر کردند و درباره این ویدئو توضیحاتی ارائه کردند اما متاسفانه به‌خاطر غرض‌ورزی و سطحی‌نگری برخی افراد این ویدئو مدام در حال انتشار و پخش است و هم‌اکنون نیز به‌خاطر اسناد منتشرشده از طرف آمریکا این بحث دوباره مطرح شده است.

پیرامون تصویر شعبان جعفری با آیت‌الله کاشانی نیز باید به این نکته توجه کرد که شعبان جعفری چه کسی بوده است؟! شعبان جعفری کسی است فاقد نگاه فکری و سیاسی که طرفدار جناح خاصی نبوده است و در زمان خود چهره لات و شناخته‌شده‌ای در هیات‌ها و زورخانه‌ها بوده است.

نقل است شعبان جعفری طرفدار هر جریانی بوده که از آن بیشترین پول را دریافت می‌کرده است. در مقطعی از جبهه ملی بیشترین پول را دریافت کرده و در برخی گزارش‌ها مشخص است شعبان جعفری در زمان نخست‌وزیری دکتر مصدق دفاتر مطبوعاتی را که علیه دکتر مصدق فعالیت داشتند تخریب می‌کرده است و در مقطعی از دربار بیشتر پول می‌گرفته و این باعث وابستگی بیشترش به دربار شده است.

در آن زمان زورخانه‌ها و هیات‌های عزاداری زیادی فعالیت می‌کردند و اشخاصی مانند طیب حاج‌رضایی و شعبان جعفری به واسطه همین هیات و زورخانه با علمای آن دوران ارتباط و رفت‌وآمد داشته‌اند. تصویری را که از آیت‌الله کاشانی و شعبان جعفری منتشر شده است با تصاویر روز کودتای شعبان جعفری مقایسه کنید و تفاوت‌های چهره شعبان جعفری را در تصاویر ببینید، کاملا مشخص است که در تصویر کنار آیت‌الله کاشانی، وی جوان‌تر بوده و مربوط به سال‌های قبل از کودتاست. چطور ممکن است شعبان جعفری ۲ ماه پس از کودتا جوان‌تر شده باشد؟! ادعا می‌کنند این عکس مربوط به مجله ترقی در مهر ۳۲ است اما تاکنون سندی که این ادعا را تایید کرده باشد، منتشر نشده است!

به نظرم اینها مباحث جدیدی نیست و البته به این نکته هم باید دقت کرد که دکتر مصدق، آیت‌الله کاشانی یا حتی آیت‌الله بروجردی و خیلی از افراد مطرح دیگری در زمان سلطنت مشروطه فعالیت می‌کرده‌اند و سیستم سیاسی با حضور شاه را پذیرفته بودند. حتی درباره دکتر مصدق مسائل و مباحث تحلیلی و حدس و گمان درباره اینکه مصدق درصدد تغییر رژیم بوده وجود دارد اما اتفاقا مصدق بعد از جریان ۳۰ تیر قرآنی را امضا و به شاه هدیه داده بود و یادداشتی در این‌باره نوشته بود که اقدامی در راستای الغای سلطنت در ایران به‌عمل نیاورد و مراتب ارادتش را به شاه عرض کرده بود. آیت‌الله کاشانی هم در سیستمی با حضور شاه فعالیت می‌کردند؛ در غائله ۹ اسفند آیت‌الله کاشانی نامه‌ای به شاه می‌فرستند و از شاه می‌خواهند از کشور خارج نشود. البته نکته‌ای وجود دارد و آن این است که خصومتی که طرفداران آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق هم‌اینک دارند در زمان خودشان اینچنین و تا این حد نبوده است و در آن زمان دشمن اصلی را «آمریکا» و «انگلیس» می‌دانستند و این مسائلی که پیش می‌آورند صرفا به‌خاطر این است که مسائل اصلی آن دوران فراموش شود.

■ خب! اگر بخواهیم نسبت مصدق و کاشانی و هر کدام از اینها با آمریکا را بررسی کنیم به چه نتیجه‌ای می‌رسیم؟

سیدیزدان حبیبی: اسناد ارائه شده توسط آمریکا در ۴ فصل و هر کدام مربوط به یک برهه است و در قالب کتابی حدود هزار صفحه منتشر شده است. فصل اول از زمستان سال ۲۹ شروع می‌شود تا زمستان ۳۰. فصل دوم به بحث ۳۰ تیر ۳۱ تحت عنوان «بحران سیاسی تیرماه ۳۱» می‌پردازد. فصل سوم از قیام ۳۰ تیر تا کودتای ۲۸ مرداد و فصل چهارم پس از کودتاست تا مهرماه سال ۳۳ و ما بحث را در این تقسیم‌بندی پیش خواهیم برد.

آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق از ابتدای نهضت با هم همکاری داشته‌اند، در تبلیغات، اهداف، جلو بردن و همراهی در مذاکرات همدیگر را پوشش می‌دادند. از اسفند ۲۹ تا ۳۰ تیر ۳۱ در بحث اقتصاد ملی آنها همدیگر را پوشش داده‌اند. اسناد، بیانیه‌ها و دیدارها و مواضعی که داشته‌اند موجود است که به صورت کاملا حمایتی پیش رفته‌اند. در مقطع ۳۰ تیر سال ۳۱ اوضاع متفاوت می‌شود؛ از چند وقت قبل تا بعدش. مصدق انتخابات مجلس هفدهم را برگزار کرده و اختلافاتی در رابطه با مدل برگزاری انتخابات بین آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق پیش آمده است که از آیت‌الله کاشانی در این‌باره نامه‌ای دارد که ایشان بیان داشته‌اند دخالتی در نحوه برگزاری انتخابات و توصیه روی هیچ کاندیدای خاصی ندارند. منتها بعد از برگزاری انتخابات هفدهم و بعد از روی کار آمدن آیت‌الله کاشانی به عنوان ریاست مجلس هفدهم، دکتر مصدق لایحه‌ای را به مجلس ارائه می‌دهد که لایحه افزایش اختیارات نخست‌وزیری بوده است که در این لایحه خواسته شده بود مجلس در یکسری از موارد، قانونگذاری را به دولت واگذار کند؛ مثلا در یک بازه زمانی ۶ ماهه دولت هرکاری که می‌خواست انجام دهد- به دلیل سرعت اصلاحات- بعد از مهلت قانونی لایحه آن حوزه را به مجلس تقدیم کند. این اشکال و اختلاف به‌وجود آمد که با این کار اصل مشروطه زیر سوال خواهد رفت. به این، ماجرای رد درخواست دکتر مصدق از طرف شاه مبنی بر تصدی وزارت جنگ را هم باید اضافه کرد که این عوامل در نهایت به استعفای دکتر مصدق منجر شد.

پس از استعفای دکتر مصدق و روی کار آمدن قوام، آیت‌الله کاشانی متاثر از بیانیه بسیار تند قوام بشدت به قوام و دربار حمله کرده و از مصدق اعلام حمایت می‌کنند؛ در حالی که مصدق در آن چند روز در سکوت بسر می‌برد. منتها مسائل مربوط به اختلافات دوران انتخابات مانند یک زخم کهنه باقی مانده بود که به مرور در آینده و زمانی که مجلس اختیارات را به مصدق واگذار می‌کند خود را نشان می‌دهد و بعضی رفتارهای دکتر مصدق و اطرافیان آیت‌الله کاشانی و مظفر بقایی و... موجب تشدید اختلافات و منجر به کودتای ۲۸ مرداد می‌شود.

■ به نظر می‌رسد بحث نسبت کاشانی- مصدق در برابر نسبت این دو با آمریکا بحث فرعی است؛ این دو برابر آمریکا چه موضعی داشتند؟

سیدیزدان حبیبی: نظر و موضع دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی درباره آمریکا را با یک مثال توضیح می‌دهم. این موضوع به مرداد و تیر سال ۳۰ مربوط می‌شود که مصدق به ترومن، رئیس‌جمهور آمریکا نامه می‌نویسد که «لازم دانستم نظر به اینکه بین ملتین ایران و آمریکا همواره روابط دوستانه برقرار بوده و رجای واثق هست که هیچوقت کوچک‌ترین خللی به این حسن روابط وارد نشود و ملت بزرگ و ارجمند آمریکایی از طرفداران جدی آزادی و حاکمیت ملل شناخته شده و فداکاری‌های آن ملت نیک‌نهاد در ۲ جنگ اخیر بهترین گواه این معنی است لذا لازم دانستم خاطر آن حضرت را از جریانات اخیر مستحضر سازم و یقین دارم که دولت‌های آزاد جهان و خصوصا دولت دوست ما آمریکا در این موضوع مهم از معاضدت به آمال ملی ایران خودداری نخواهد کرد». سوال: آمریکایی که دکتر مصدق درباره آن اینگونه صحبت می‌کند، چه آمریکایی است؟!

ترومن همان شخصی است که در زمان ریاست‌جمهوری‌اش بمب اتم در هیروشیما و ناکازاکی مورد استفاده قرار می‌گیرد و دکتر مصدق در این نامه از فداکاری‌های آن ملت نیک‌نهاد(!) در ۲ جنگ اخیر جهانی تمجید می‌کند.

قبل از نامه آقای مصدق وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌هایی گفته «چون ایران یکجانبه عمل کرده در بحث ملی شدن صنعت نفت ما از این جریان طرفداری نخواهیم کرد!» و آقای مصدق با این حال اینگونه با رئیس‌جمهور آمریکا نامه‌نگاری کرده است.

حالا پاسخی که رئیس‌جمهور آمریکا می‌دهد چیست، رئیس‌جمهور آمریکا در پاسخ به بحث دیوان لاهه می‌گوید: «شما و انگلستان خودتان اختلافات‌تان را با دیوان لاهه حل کنید و آمریکا تنها نماینده‌ای جهت وساطت اعزام خواهد کرد.» و این نماینده خودش و خانواده‌اش به گفته استاد شهبازی، دلال نفتی هستند اما آقای مصدق از فرستادن این نماینده ذوق‌زده می‌شود و می‌گوید «از این نیت عالی صادقانه و صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نمایم بخصوص که حاضر شدید یکی از رجال مشهور آمریکا آقای «هریمن» را به نمایندگی از خودتان به تهران اعزام کنید».

این موضع دکتر مصدق نسبت به نامه آقای ترومن، رئیس‌جمهور آمریکاست. یعنی موضعی با حسن‌ظن و امیدواری. بله! شما نباید هیچ راهی را به روی دیپلماسی خودتان ببندید و به جلو پیش روید منتها در این‌باره باید واقعیت‌ها را هم در نظر گرفت نه اینکه با توهم و خیال پیش رفت.

در ادامه این جریان فرستاده آمریکا «هریمن» به ایران می‌آید و به دیدار دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی می‌رود.

صحبتی که آیت‌الله کاشانی با هریمن می‌کند این است: «من عادت دارم که حرف‌های خود را خیلی صریح و روراست بگویم. تا ۲ سال پیش، روی هم رفته مردم ایران نسبت به ملت آمریکا خوشبین بودند اما دیگر این خوشبینی از میان رفته است، زیرا مردم این کشور ابدا خوش‌شان نمی‌آید کشورهای دیگر خواه دور خواه نزدیک در امور داخلی آنها مداخله کنند. ما از شما هیچ چیز نمی‌خواهیم و هیچ توقع کمکی نداریم جز اینکه در کار ما مداخله نکنید و بخصوص با انگلیسی‌ها که به کشور ما فشار وارد می‌کنند همکاری و مساعدت نکنید». به نظرم برای شناخت آیت‌الله کاشانی و مصدق بهتر است ببینیم نظر آنها نسبت به دشمن چگونه بوده است.

با این وجود دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی در مساله نفت سخت ایستادگی کردند و امتیاز نفتی به طرف آمریکایی ندادند و همین مساله برای مخالفان بهانه‌ای شد تا اعلام کنند مصدق مذاکرات نفتی را به بن‌بست کشاند و کاشانی هم در این باره از موضع مصدق حمایت کرده است.

مشکل مصدق اعتماد، حسن‌ظن و خوشبینی بیجایی است که به طرف‌های آمریکایی داشت. دکتر مصدق با انگلیسی‌ها دشمن بود و با آنها مقابله کرد و سفارتخانه انگلیس را تعطیل و روابط سیاسی با انگلستان را قطع کرد که همین مساله باعث می‌شود ظاهر تشکیلات شبکه انگلیسی به سفارت آمریکا منتقل شود اما نسبت به آمریکا خوشبینی وجود دارد و مقابله نمی‌شود. اختلافاتی از ۳۰ تیر به بعد به‌وجود می‌آید و شبکه آمریکایی- انگلیسی- ایرانی به اختلافات دامن می‌زنند و در بین سیاسیون و نشریات و در بین نظامیان یارگیری داشتند که این مسائل به مرور منجر به تشدید اختلافات و جدایی دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی می‌شود تا بتوانند کودتا را براحتی انجام دهند.

در اسناد اخیرا منتشر شده آمریکا به پتانسیل وجود اختلافات اشاره شده است. در هیچ جای این سندها از قرابت آیت‌الله کاشانی با کودتاچیان یا با آمریکایی‌ها حرفی زده نشده است. در جاهایی نقل قول می‌کند از یک ناظری نسبت به کاشانی و در جاهایی تحلیل خودش را نسبت به کاشانی ارائه می‌دهد که بیان می‌کند اختلاف بین آنها پتانسیل خوبی برای ادامه و تشدید و در نهایت کودتا دارد.

■ در این اسناد هیچ بخشی درباره ارتباط یا تایید کودتاچی‌ها یا همکاری آیت‌الله کاشانی با کودتاچیان وجود ندارد؟

سیدیزدان حبیبی: تاکنون هیچ موردی مطرح نشده، بلکه برعکس آن بیان شده است. استاد عبدالله شهبازی ۲ مطلب استخراج کرده‌اند که ضد این جریان است.

گزارش آمریکایی‌ها در این رابطه با پیوند بین آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق به «اتحاد نامقدس» عنوان شده است. در جای دیگر نسبت به کاشانی می‌گوید: «ناسیونالیست افراطی متخاصم با ایالات متحده».

چرا حالا روی این بخش از اسناد کار نمی‌کنند جای سوال است؟! اسناد منتشرشده اصلا حرف جدیدی برای گفتن ندارد و تکرار و مرور حرف‌های قبلی است و البته به دانش ما اضافه نمی‌کند. اختلافات آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق اصلا احتیاج به سند آمریکایی‌ها ندارد و کاملا مشخص است و در خاطرات و روزنامه‌ها بیان شده است و از این نظر این اسناد ارزشی ندارند.

■ آیا در این اسناد سانسور هم هست؟

سیدیزدان حبیبی: در اسناد منتشره به گفته استاد شهبازی حدود ۶۵۰ مورد سانسور وجود دارد و آقای دهباشی هم گفته حدود ۸۰۰ مورد سانسور وجود دارد. شما که سندهای‌تان را منتشر می‌کنید چرا آن را سانسور می‌کنید؟! این نشان‌دهنده این است که منافع کسانی به خطر خواهد افتاد.

اگر اسنادی قرار است منتشر شود درباره شبکه ایرانی- آمریکایی- انگلیسی است که ما باید بشناسیم. مثلا در خاطرات «روزولت» که رئیس عملیات کودتای ۲۸ مرداد بوده است اسامی چند نفر بیان شده است مانند اسامی مستعار «برادران بوسکو»، «فرخ کیوانی»، «علی جلالی» و... این اشخاص چه کسانی هستند؟! تاریخدان‌هایی مثل استاد شهبازی با توجه به قرائن در این زمینه حدس‌هایی زده‌اند اما اسناد موجود در این زمینه تاکنون اعلام نشده است. یا در دادگاه دکتر مصدق زمانی که ایشان به حالت نزاری پشت میز نشسته‌اند و عوامل آن دادگاه با ایشان عکس دسته‌جمعی می‌گیرند و «شاپور ریپورتر» کنار دکتر مصدق ایستاده و روی عکس امضا کرده «ماموریت انجام شد» این شخص چه کاره بوده است که چنین امضایی روی این عکس کرده است؟! اگر قرار است اسنادی رو شود این سند باید رو می‌شد اگرنه اسناد درباره کاشانی و مصدق تکراری است و این حرف‌ها مدام بیان شده است.

به نظر می‌آید انتشار این اسناد بیشتر شبیه یک نمایش است برای سرپوش گذاشتن روی این جریانات و جنجال اخیر هم از طرف جریانی برای زیر سوال بردن و تسویه‌حساب سیاسی با آیت‌الله کاشانی است. شاید برای به حاشیه بردن مساله تحریم‌ها و شباهت آن با تجربه اعتماد دکتر مصدق به آمریکا این جریان به راه افتاد. اما آیا واقعا مسائل مربوط به کودتا به اتمام رسیده است و سوال دیگری نسبت به آن موقع وجود ندارد؟!

■ مستند «آقای نخست‌وزیر» بیش از آنکه نگاه جریان‌های انقلابی را بررسی کند بیشتر سراغ جبهه ملی رفته که نگاه نزدیک‌تری به مصدق داشتند و آن را مورد بررسی قرار داده‌است. در این گفت‌وگوهایی که با این افراد داشتید نگاه آنها بعد از ۶۰ سال به ماجرای کودتا و آمریکا چگونه بود؟ آیا پذیرفته بودند این مسیری که رفته‌اند اشتباه بوده یا نه؟

محمدرضا امامقلی: این مساله از ۲ جنبه قابل بررسی است؛ یکی اینکه ما در رابطه با اشتباه، بپذیریم اشتباه کردیم و دوم آنکه شهامت این را پیدا کرده باشیم که تغییر کنیم. این بحث یعنی «شهامت تغییر» از «اذعان به اشتباه»، شجاعت و صداقت بیشتری می‌خواهد. عموما آن اتفاقی که در مصاحبه‌های ما با این افراد افتاد این بود که افرادی که عضو نهضت آزادی بودند مثل «ابراهیم یزدی» یا «هرمیداس باوند» از جبهه ملی، اذعان داشتند به اینکه بله! مصدق در معادلات جهانی اشتباه کرد.

آقای یزدی اشاره می‌کرد به اینکه «دکتر مصدق در معادلاتش نسبت به شناخت آمریکا دچار اشتباه شده بود. در صورتی که آمریکایی‌ها نظر خوشی نسبت به جنبش‌ها و حرکات ملی نداشتند. نسبت به حرکات اسلامی که دیگر اصلا نداشتند». در نهضت نفت وجوه دینی هم به‌خاطر وجود آیت‌الله کاشانی و حمایت وی بود، خب! این اتفاق باعث می‌شد آمریکا نظر خوشی نسبت به این اتفاق نداشته باشد؛ حتی اگر قضیه نفت را کنار بگذاریم. اما امروز نظرات آقایان چگونه است؟! آیا این شهامت در ما وجود دارد که دولتی که همان مسیر اشتباه را رفته توصیه به تغییر کنیم؟! به هر حال بخش عظیمی از تاریخ شفاهی در سینه امثال آقای یزدی است. آیا این افراد عبرت‌پژوهی تاریخی را توصیه می‌کنند به آقایانی که می‌خواهند مثلا بروند برجام را امضا کنند؟ خیر! حتی حمایت می‌کنند از این حرکات! مگر شما نیستید که می‌گویید دولت آقای مصدق در معادلاتش دچار اشتباه شد؟! مگر شما نیستید که می‌گویید منافع ملی آمریکا با منافع ملی ایران در تضاد است؟! اصلا در بسیاری از جاها با هم اختلاف بنیادی داریم. همین شما هستید که می‌گفتید آمریکا علیه دولت مصدق کودتا کرد. آیا امروز هم همین تصور هست؟ اگر هست چرا شما به آقایان توصیه نمی‌کنید که ما آن روزها را دیده‌ایم، شما تکرار نکنید؛ آمریکا غیرقابل اعتماد است؟! چرا این مساله را یک بار در مصاحبه‌های‌تان نمی‌گویید؟! اینکه همان آمریکاست. در عین حال دارید حمایت می‌کنید. این یک بخشی از موضوع است. یعنی شهامت تغییر وجود ندارد، چون این راه را که آمدیم حالا گفتن اینکه آمریکا غیرقابل اعتماد است لزوما شهامت می‌خواهد. بخش عمده‌اش هم مربوط به قوه ایمان یک فرد است که اینجا شهامت داشته باشد که بحث جداگانه‌ای است.

■ موضع این افراد نسبت به آیت‌الله کاشانی چه بود؟ اینکه آیت‌الله کاشانی با کودتاگران همراه بوده؟ نگاه جبهه ملی و نگاه جریان آنها نسبت به موضع آیت‌الله کاشانی به آمریکایی‌ها چطور بوده؟

محمدرضا امامقلی: با یک سوال واضح و روشن، از همین آقایان پرسیدم چه کسی می‌تواند نقش آیت‌الله کاشانی را در ۳۰ تیر ۳۱ کتمان کند؟ شخص آقای یزدی اشاره می‌کند «باید انصاف داد که بیانیه کاشانی بود که روز ۳۰ تیر مردم را به خیابان‌ها کشاند». اگر این بیانیه نبود، قطعا دوباره دولت مصدق روی کار نمی‌آمد. روز ۳۰ تیر شهید دادیم برای اینکه دکتر مصدق به دولت بازگردد. آیا نقش آیت‌الله کاشانی در اینجا بارز نیست؟ چه کسی می‌تواند بگوید نبوده؟ آقای مهندس توسلی می‌گوید بوده. ایشان می‌گوید «باید ذکر خیر بکنم از بیانیه اعلام جهاد آقای کاشانی که نقش بسزایی در روند و جریان نهضت داشت». اینها را آقای توسلی می‌گوید اما چرا درباره ۳۰ تیر هیچ‌کدام از این حرف‌های آقایان که صادقانه هم زده شد مرجع افرادی که کاشانی را متهم می‌کنند نیست؟ امروز برخی درباره ۲۸ مرداد فقط حرف می‌زنند که سندی هم ندارند که ارائه کنند و سعی می‌کنند چهره کاشانی و امثالهم را مخدوش کنند. به نظرم اصلا نقل دعوای مصدق و کاشانی و اینکه ابتدا با هم بودند و بعد جدا شدند و قس علی هذا- هر سال هم این را دوباره فضایی برایش ایجاد می‌کنند- کاملا عملیات روانی است و جنبه روانی آن هم برای این موضوع است که امثال فلان روزنامه با وقاحت تمام در روزی که ایران تحریم شده، در روزی که برجام نقض شده، تیتر از مصدق و کاشانی و حضور کاشانی در کودتا بزنند! اینها یعنی چه؟ چرا به این نمی‌پردازید که آمریکای خبیث خودش اعتراف می‌کند به کودتا علیه دولت ملی و آزادی‌خواه مصدق؟ چرا فرافکنی می‌کنید؟ چرا فرار به جلو می‌کنید؟ باید بپذیریم آمریکا غیرقابل اعتماد است. باید بپذیریم آمریکا در ایران کودتایی را انجام داده که ملت ما را شاید یک قرن عقب انداخته. به اذعان پژوهشگران، یک کودتا نزدیک یک قرن، یک مملکت را عقب می‌اندازد. خب! آمریکا که همان است، چرا نسبت به آن موضع نمی‌گیرید؟

■ نکته بارز این است که درگیری مصدق و کاشانی می‌پردازیم و اصل کودتا را فراموش می‌کنیم.

محمدرضا امامقلی: به نظرم هدف همین است. کلید رمزش هم این است که دعوای مصدق و کاشانی را دوباره پررنگ کنیم. چرا؟ چون تحریم شدیم. مشابه این اسناد در سال ۲۰۰۱ هم منتشر شد و امروز واقعا چیز جدیدی منتشر نشده و حرف خاصی گفته نشده. آمریکا به این فضا دامن می‌زند چون اگر افکار و اذهان عمومی درگیر این بحث نباشد، آنچه محل بحث است آمریکا و خصومت آن است. موضوع اصلی را که تحریم آمریکایی، کودتای آمریکایی و خصومت آمریکایی است، این مطبوعات کذایی به حاشیه می‌کشند. باید لوله تفنگ‌مان به سوی آمریکا باشد، اگر انگشت اتهام هست باید به سوی آمریکا باشد که در مملکت ما کودتا کرده! حالا اینها تلاش می‌کنند ما آمریکا را کنار بگذاریم تا تطهیر آمریکا راحت صورت گیرد. چرا باید آمریکا تطهیر شود؟ چون دارند از دولتی حمایت می‌کنند که دارد با آمریکا مذاکره می‌کند و به آمریکا لبخند می‌زند. به‌خاطر اینکه از وی حمایت کنند مجبور به تطهیر آمریکا هستند که این کمال وقاحت است. از طرف دیگر هم برخی به اصطلاح خودشان دغدغه‌مند شروع می‌کنند در رثای آیت‌الله کاشانی و تخریب مصدق سخن گفتن که این هم روا نیست و بازی در زمین دشمن است.

■ به نظر می‌رسد اینکه کاشانی با کودتا همراه بوده همانقدر کم‌دقت است که بررسی ۳۰ تیر به سادگی آن را زیر سوال می‌برد.

ادامه در صفحه ۵